

میرزا خابون

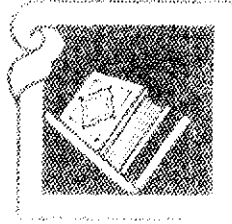
سال سوم - شماره اول



قبور پیامبران الهی در ایران

عباس صالح مدرسه ای





ایران زمین و مردمانش از دیرباز پیوندی دیرین و عمیق با اندیشه‌های وحیانی و باورهای توحیدی داشته اند و هرچند در مقاطعی از تاریخ، این صفحه پاک با آمیزه‌هایی از فرهنگ غیردینی و آموزه‌های جاهلی و شرک مشوب و غبارآلوده شده است، اما جوهره بومی این مرز و بوم و ضمیر مردمان آن همواره هماغوش با معنویت و خداآوری زیسته است و همین استعداد دیرینه و نیروی نهفته بود که با تجلی اسلام در جزیره العرب یک بار دیگر درخشید و تشنگی دورآشنای ما را پاسخ گفت؛ ایرانیان گمشده خویش را بازیافتند، بزرگوارانی چون سلمان پاک نمونه آشکاری از شکوفایی دوباره فرهنگ وحیانی و دین باوری در این سرزمین اند.

از نشانه‌ها و آثاری که علائق و بستگی‌های ایرانیان را به دین و دین باوری و گرایش‌های توحیدی - حتی پیش از ظهور اسلام - نمایان می‌کند می‌تواند مقابر و مزاراتی باشد که به نقل سینه به سینه اجداد و پدران ما متعلق به چندتن از سلسله انبیاست. این مقابر در صورت اثبات و صحت سندیت بیانگر حضور نورانی این رسولان در بین پدران ماست و مصداقی که کریمه و لقد بعثنا فی کلّ امة رسولا (نحل/ ۳۶) را تعبیر و تفسیر کند.

اگرچه تحقیق جامع و کاملی آن چنان که باید در زمینه مستندات این آرامگاهها صورت نگرفته است، اما برخی از شواهد حاکی از صحت این انتساب به مکان کنونی است. برخی از مقابر مزبور در زمره آثار باستانی به شمار آمده و به ثبت رسیده‌اند.

به هر روی هرچند اسامی این پیامبران به همراه شرح زندگی ایشان در حیطه دسترسی‌های تاریخی در کتب کهن و تواریخ مدون آمده است - و خود جای تحقیق بیشتری دارد - اما تعلق این قبور به این پاکان - آن چنان که در کشورمان به نام ایشان شهرت یافته است - تحقیق و تفحص جامع عمیق و گسترده تری را طلب می‌کند. این پژوهش می‌تواند زمان‌شناسی بنا، بازخوانی اسناد، مخطوطات و مکتوبات و کتیبه‌ها و سنگ‌نوشته‌ها، مستندات و نوع و چگونگی معماری را برای کشف حقایق بیشتر دربرگیرد.

مقاله حاضر می‌تواند آغازی برای این بررسی باشد. در این مقاله توضیح مختصری درباره ۹ تن از پیامبران که در شهرهای ایران مدفون اند آمده است.

«میراث جاویدان» از همه تحقیقاتی که در این زمینه‌ها صورت گیرد با جدیت استقبال می‌کند.

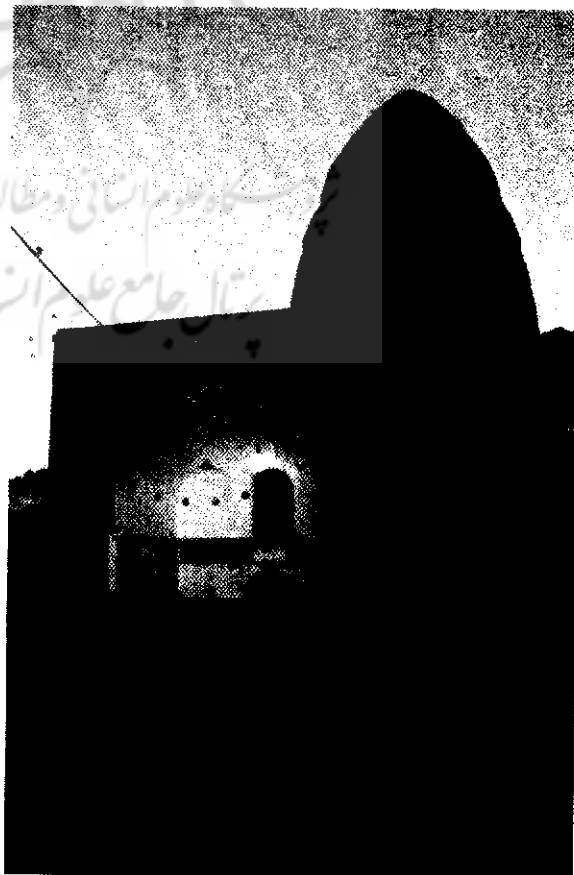
حضرت قیدار

مرحوم علامه مجلسی در بحار الانوار در ذکر اجداد پیامبر گرامی اسلام (ص) نوشته است: حضرت قیدار، جدّ سی ام رسول اکرم (ص) است. (۱)

در تاریخ یعقوبی آمده است: حضرت اسماعیل (ع) دوازده پسر داشت که بزرگترین آنان حضرت قیدار (ع) بود. (۲) پس از وفات حضرت اسماعیل (ع) و دفن او در حجر، قیدار جانشین پدر می‌شود و مردم را به توحید دعوت می‌کند.

باز یعقوبی می‌گوید: فرزندان «جرهم بن عامر» چون برادرانشان از فرزندان «قحطان بن عابر» به یمن رفتند و آن جا را مالک شدند به زمین تهامه آمدند و با اسماعیل بن ابراهیم همسایه گشتند. اسماعیل، «حنفاء» دختر حارث بن مضاض جرهمی (یا به قولی رعله دختر مضاض بن عمرو جرهمی (۳)) را به زنی گرفت و برای او دوازده پسر آورد: قیدار، نابت، ادبیل، مبشام، مسمع، دوما، مسا، حداد، تیما، بطور، نانس و قیدما. این نامها چون از لغت عبرانی نقل شده است، در حروف و حرکات تلفظ اختلاف پیدا می‌کند. (۴)

فرزندان اسماعیل در جستجوی آب پراکنده شدند. برخی هم ماندند در جوار حرم را بر خود لازم شمردند و گفتند: ما از حرم خدا روی نمی‌گردانیم. (۵)



۱- بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۰۵.

۲- ابن هاشم، نابت را بزرگترین فرزند اسماعیل دانسته است. سیره ابن هشام، السقا، ابراهیم الابیاری، عبدالحفیظ شلی، چهار جزء، دار احیاء التراث العربی، بیروت، صص ۱ و ۲. ۳- ایضا، ص ۵.

۴- تاریخ یعقوبی، ۲ جلد، دار صادر و دار بیروت، ۱۳۷۹/۱۹۶۰، ج ۱، ص ۲۲۱ به بعد؛ تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، ۲ جلد، چاپ سوم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ج ۱، صص ۲۷۶ و ۲۷۷.

۵- ر. ک: تاریخ طبری، تاریخ یعقوبی، سیره ابن هشام در صفحات نامبرده شده و مابعد آنها.



بارگاه حضرت یوشع (ع) برای احداث خیابان ویران شده بود، اما با حمایت‌های مردم و دستور مسؤلان امر از احداث خیابان جلوگیری شد.

تاریخ نگاران و محققان نوشته‌اند: آن حضرت، در زمان کورش به همراه سایر زندانیان از اسارت بابل نجات یافت و به ایران کوچید. حضرت یوشع (ع) اکنون در «لسان الارض» مدفون است.

بعضی نام آن حضرت را «یسع» گفته و او را پسر عموی هارون و موسی (ع) دانسته‌اند. یسع بعد از خود، «حزقیل» را به وصایت برگزید. وی به مانند عیسی (ع) مرده زنده می‌کرد، بر آب راه می‌رفت و کور مادرزاد و مبتلای به پستی را شفا می‌داد.

بنی اسرائیل بارها از فرمان الهی سرتافتند و به مجازات نافرمانی خویش نیز رسیدند. پس از یوشع بن نون -وصی موسی (ع)- بنی اسرائیل به دام فتنه‌ها افتادند و گرفتار اختلافها شدند، شوکت و عظمت خویش را از دست دادند و در چنگال «جالوت» گرفتار آمدند.

خداوند از میان خاندان «لاوی» پیامبری به نام «اشموئیل» یا «شموئیل» (در زبان عبری؛ یعنی، شنیده شده خدا^(۷)) برانگیخت که او در طی چهل سال توانست به اوضاع بنی اسرائیل سر و سامانی دهد، مردم را به خداپرستی دعوت کند و از بت پرستی باز دارد. داستان او در سوره بقره آمده است.

علی بن ابراهیم در تفسیرش از امام محمدباقر (ع) روایت کرده است: «ان بنی اسرائیل بعد موسی عملوا المعاصی و غیروا دین الله و عصوا عن امر ربهم. و کان فیهم نبی یأمرهم و ینهاهم فلم یطیعوه» بنی اسرائیل بعد از

برخی گفته‌اند: قیدار -یعنی: سیاه پوست- پسر دوم اسماعیل است. او پدر مشهورترین قبایل عرب بود. بلاد و مملکت ایشان نیز، قیدار خوانده شده است. (۶)

مرقد آن حضرت، در استان زنجان، شهرستان خدابنده قرار دارد. این شهر از کوچکترین شهرهای ایران است که دو خیابان؛ یکی اصلی و دیگری فرعی دارد و مرقد حضرت قیدار (ع) در خیابان اصلی واقع است.

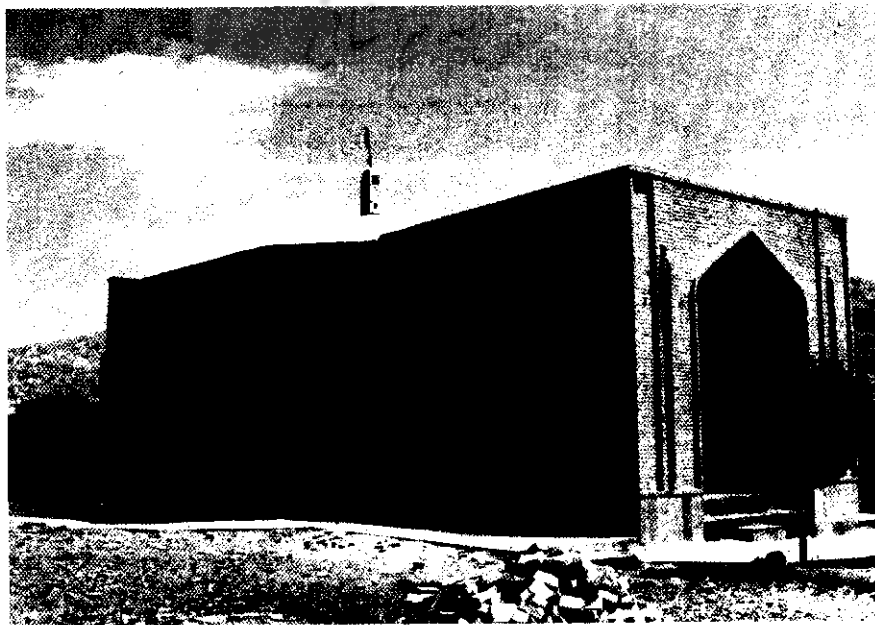
قدمت بنای مرقد که به دست «بانو بلغان خاتون» ساخته شده است به هفتصد سال پیش می‌رسد. این بنا، از میراث‌های فرهنگی ماست. مدرسه علمیه و مسجد جامع هم در کنار این مرقد مطهر ساخته شده است.

«یوشع بن نون بن افراهم بن یوسف بن یعقوب» پس از مرگ «هارون» سه سال وصی موسی (ع) شد و ۱۲۸ سال عمر کرد. در تواریخ آمده که هارون و یوشع بن نون برای حضرت موسی نویسندگی می‌کردند.

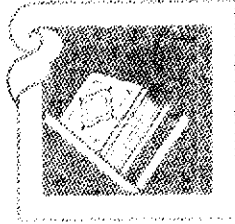
در گورستان تاریخی تخت فولاد اصفهان، قبور بزرگان بسیاری است. وقتی از خیابان امام سجّاد (ع) به گلستان شهدا وارد می‌شوید به «لسان الارض» می‌رسید. گلستان شهدا به باغی می‌ماند که باید قدم به قدم آن را دید.

در گذشته‌های نه چندان دور، مردم اصفهان در ایام تاسوعا و عاشورا، با دسته‌های عزاداری به آرامگاه ملکوتی حضرت یوشع، وصی حضرت موسی (ع) می‌آمدند و در آنجا به عزاداری می‌پرداختند، اینک باکمال تأسف، از آن گنبد و بارگاه دیگر خبری نیست و همه چیز

با خاک یکسان شده و تنها پاره‌های سنگ، مشخص کننده قبر آن حضرت (ع) است. ذکر این نکته، لازم است که بر سنگ قبر فعلی این پیامبر به اشتباه نام «شعیای» پیامبر نوشته شده است.



حضرت اشموئیل



موسی گناه کردند و دین خدا را تغییر دادند و عصیان ورزیدند. در میان ایشان پیامبری بود که امر به معروف و نهی از منکر می کرد، اما نمی پذیرفتند. (۸)

خداوند جالوت را که از قبطیان بود بر آنان مسلط گرداند و او خوارشان ساخت؛ مردان آنان را کشت، اموالشان را به غارت برد و زنانشان را به بردگی گرفت. از این رو به پیشگاه پیامبرشان نالیدند و از او خواستند تا از خدا بخواهد ملکی برای ایشان بفرستد که با او در راه خدا بجنگند.

این نبی که بعضی نامش را اشموئیل دانسته اند طالوت را که از نظر علم و قدرت، سرآمد و برجسته بود به پادشاهی برگزید و جمعیت زیادی با او برای جنگ با جالوت به راه افتادند. او به آنان خبر داد که به نهر آبی می رسند و نباید از آن چیزی بیاشامند مگر به اندازه کف دستی. وقتی به آن آب رسیدند شصت هزار نفر از آن نوشیدند ولی ۳۱۳ نفر حتی به اندازه کف دستی از آن نوشیدند. وقتی به سپاهیان جالوت رسیدند و کثرت آنان را دیدند، عده ای گفتند: ما نمی توانیم با آنان مقابله کنیم، ولی عده ای دیگر گفتند: «چه بسا، گروه اندکی که به اذن خدا بر گروه بسیاری پیروز می شود» این گونه شد و داوود سنگی در فلاخن خویش گذارد و به سوی جالوت روانه کرد و او را هلاک گرداند و بدین رو سپاهیان طالوت پیروز شدند. فاصله بین اشموئیل پیامبر و یوشع که وصی حضرت موسی بود شصت سال بوده است. (۹)

مرقد مطهر حضرت اشموئیل (ع) در یازده کیلومتری شهرستان ساوه (جاده بوبین زهرا) واقع است. این مرقد را در گذشته های دور ساخته اند و از تاریخ آن اطلاع کافی در دست نیست، اما قسمت شرقی آن را به دستور ناصرالدین شاه قاجار، به حرم افزودند و سنگ نبشته ای در آن جا هست که مبین حضور شاه قاجار و همراهانش در آن جاست.

از دیرباز، حرم آن پیامبر الهی زیارتگاه عاشقان و عالمان و فاضلان بوده است. نهر آبی در نزدیکی آن جریان دارد که به آب «چگه بار» معروف است.

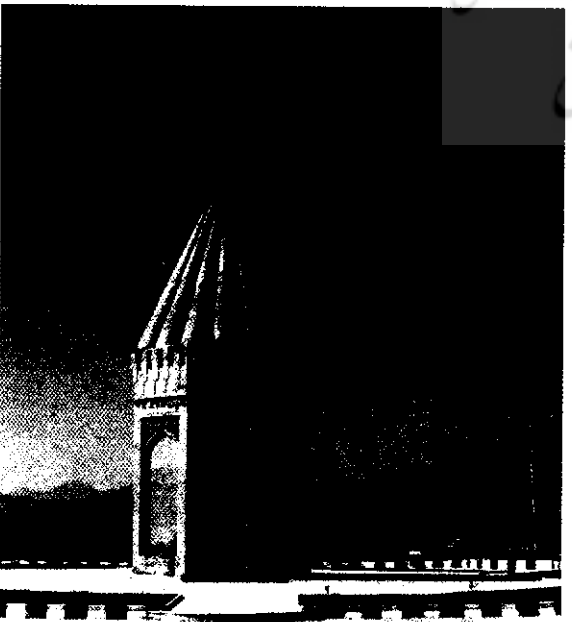
تویسرکان شهری در یکی از دره های خوش آب و هوای کوه الوند، با قدمتی بسیار، پذیرای یکی از انبیای الهی شده است. حیقوق نبی (ع) یکی از پیامبران بنی اسرائیل و نگهبان معبد سلیمان در اورشلیم بوده و نامش در تورات (عهد عتیق) آمده است. وی به هنگام حمله بختنصر و بابلیان، با عده ای به اسارت درآمد و سالهای درازی در زندان بابل به سر برد. پس از فتح بابل به دست کورش هخامنشی و آزادی زندانیان به ایران آمد و در اکباتان (همدان) مسکن گزید و پس از مرگ در تویسرکان مدفون شد.

امام رضا (ع) به هنگام بحث و احتجاج با علمای ادیان مختلف نزد مأمون وقتی با رأس الجالوت - رئیس عالمان یهودی - بحث می کند: از حیقوق نام می برد. (۱۲) در دعای ام داوود - در مفاتیح الجنان - نیز، از حضرت حیقوق (ع) نام برده شده است. (۱۳)

بقعه آن حضرت، بنایی است برجی شکل و آجری با گنبدی مخروطی که پوشش داخلی آن مدور و پوشش خارجی اش مخروط ناوی شکل است. در نمای خارجی هر ضلع از بنای هشت ضلعی، طاقنمای کم عمقی تعبیه شده که بالای آن کاشیکاری شده است.

بر روی سنگ قبر در وسط بقعه، مشخصات صاحب قبر نوشته شده است. بنای این ساختمان به دوره سلجوقی و قرن هفتم برمی گردد و به شماره ۹۶۹ مورخ ۵۳/۲/۸ در زمره آثار تاریخی ثبت شده است.

حضرت حیقوق



۸- سید نعمت الله بن عبدالله موسوی جزایری (متوفی ۱۱۱۲ هـ. ق.)، النور المبین فی قصص الانبیاء و المرسلین، ناشر: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی، قم، ص ۳۳۰.

۹- ر. ک: بقصره (۲) آیات ۲۴۶ - ۲۵۱ و تفاسیر مربوط به آن.

۱۰- لغت نامه دهخدا.

۱۱- تاسخ التواریخ و دیگر کتب.

۱۲- بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۳۰۳.

۱۳- بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۵۹، ج ۱۴، ص ۱۶۲.

در احادیث و کتب اسلامی نام آن بزرگوار حیقوق و در کتب یهود و عهد عتیق، حیقوق، با حرف «با» ضبط شده است. حیقوق در زبان عبری یعنی «در آغوش کشیده شده» (۱۰) و سبب نامیدن او به این اسم، این بوده است که در کودکی بر اثر شدت مرض از دنیا رفت، اما وقتی حضرت الیاس (ع) او را در آغوش کشید و دعا کرد و زندگی دوباره او را از خدا طلبید، زنده شد. (۱۱)



بنی اسرائیل وحی کرد که خوردنی و نوشیدنی برای دانیال ببرد.

او نزدیک چاه بابل آمد و دانیال را صدا زد و گفت: پروردگارت به تو سلام می‌رساند و این غذا و آشامیدنی را برای تو فرستاده است. دانیال در آن جا شکر الهی را به جا آورد و گفت: «الحمد لله الذی من واثق به لم یکلّه الی غیره، الحمد لله الذی یجزی بالصبر نجاه، الحمد لله الذی یكشف ضررنا عندکریبتنا، و الحمد لله الذی هو ثقتنا حین ینقطع الحیل منا، و الحمد لله الذی هو رجاؤنا حین ساء ظننا باعمالنا.» دانیال در آن چاه، روزها روزه می‌گرفت و شبها با آن طعام و آشامیدنی، افطار می‌کرد.

لفظ دانیال در عبری یعنی «خدا حاکم من است» کلدانیان وی را «بلطشصر» می‌نامیدند. (۱۶)

ایرانیان باستان، پس از رحلت آن حضرت (ع) طبق آیین خودشان، پیکر مطهر حضرت دانیال (ع) را مومیایی کرده، در اتاقکی بر روی تپه‌ای قرار دادند و در اتاقک را مهر و موم کردند.

سالها گذشت و ایرانیان در بیراهه ره می‌سپردند. با ظهور اسلام و ورود سربازان مسلمان به ایران، وقتی آنان از وجود این اتاقک آگاهی یافتند، جریان را از مردم پرسیدند و شنیدند که بدن مطهر آن پیامبر الهی در این اتاقک قرار دارد. مسأله را به گوش خلیفه رساندند. خلیفه برای چاره‌کار از علی (ع) کمک خواست. مورخین نوشته‌اند: حضرت علی (ع) دستور داد پیکر مقدس دانیال نبی را طبق دستورات اسلامی روبه کعبه دفن نمایند. سربازان اسلام، دستور آن جناب را اجرا می‌کنند و سپس مطابق دستور حضرت علی (ع) مسیر رودخانه را عوض

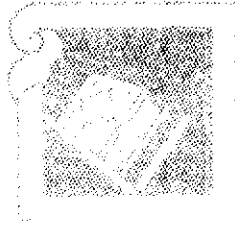
آن جناب از انبیای بزرگ الهی است. وی پسر «یوحنا» و از نسل داوود (۱۴) و کتاب نبوت وی، حوادث آینده و بعثت پیغمبر آخر زمان، حضرت محمد (ص) را پیشگویی کرده است.

حضرت دانیال (ع) ملقب به «نبی الله» همزمان با کورش کبیر و داریوش بزرگ می‌زیست. در کودکی پس از گشوده شدن اورشلیم به دست نبوکد نصر، در سال ۵۶۸ پیش از میلاد به اسارت درآمد و به بابل فرستاده شد و آنجا می‌زیست. بعضی از مورخین گفته‌اند: در سال ۶۰۶ پیش از میلاد به دست بختنصر اسیر و با گروهی از قومش به بابل فرستاده شد و چون از نماز بردن به فرمانروای بابل سرباز زد او را نزد شیران درنده افکندند، اما وی از میان آن حیوانات سالم بیرون آمد. سال درگذشت وی معلوم نیست. معاصر «عزیر» پیامبر (ع) بود. دانیال پس از درگذشت بختنصر، از جانب «بهمن» پسر «اسفندیار» به بیت المقدس بازگردانیده شد و از آن جا به اهواز رفت و در شوش دیده از جهان بریست. علم رمل و گزاردن خواب را از وی دانند. (۱۵)

وقتی بختنصر بر بنی اسرائیل مسلط شد از آنان هرکسی را می‌یافت می‌کشت و به تعقیب فراریان می‌پرداخت و بچه‌های بنی اسرائیل را اسیر می‌کرد. او از فرزندان «یهودا»، چهار نفر را که یکی از آنها دانیال بود اسیر کرد.

چون بختنصر فضل و بزرگی دانیال را شنید و دریافت که قومش منتظر خروج او هستند تا آنان را نجات دهد، او را به همراه شیری در چاهی افکند. شیر به فرمان خدا به دانیال آسیبی نرساند. خداوند به یکی از انبیای

۱۴- لغت نامه دهخدا، حرف «دال»، ص ۲۰۳.
۱۵- همان، حرف «دال»، صص ۲۰۳ و ۲۰۴.
۱۶- جیمز هاکس، همان کتاب، ص ۳۶۶.



معجزات فراوانی از این قبور متبرک حکایت شده است و از این رو، مردم باصدق نیت به آنجا می آیند و آنان را واسطه برآورده شدن حاجات خویش قرار می دهند.

آستان قدس چهار انبیا(ع) از وسعت خوبی برخوردار است و لذا در یک زمان قادر است پذیرای هزاران زائر باشد.

مرحوم «میرزا مسعود شیخ الاسلام» ساختمان این مرقد را بنا نهاد. زمانی که آن مرحوم را در عصر مشروطه ترور می کنند، کار احداث بنا متوقف نمی گردد و کار ناتمام پدر را پسرش به پایان می رساند. در اطراف ضریح بزرگ و فضای بزرگتر آن، کتیبه هایی قرآنی قرار دارد که یادگار مرحوم شیخ الاسلام است.

بر در ورودی این آرامگاه نوشته شده است:

روضه چهارانبیا(ع) با صالح بن مجتبی

کن زیارت از سر اخلاص تا یابی صفا

نام نیک انبیا این باشد ای اهل ولا

یک سلام و یک سلوم و یک سهولی، القیا(۲۰)

چهار انبیا

کردند تا آب بر روی قبر جاری شود، چون بیم آن می رفت یهودیان آن زمان با اطلاع از این موضوع، پیکر حضرتش را بدزدند.

بر سنگ قبر او روایتی از حضرت علی(ع) نقل شده است که فرمود: «من زار اخی دانیال کمن زارنی» هر کس برادرم دانیال را زیارت کند مانند کسی است که مرا زیارت کرده است.

در سال ۱۳۵۲ برای اجرای طرح شهرسازی شهرستان شوش دانیال، مسیر رودخانه را عوض کردند. به همین جهت قبر حضرت دانیال(ع) نمایان شد و مسلمانان علاقه مند، به بازسازی صحن و حرم مطهر پرداختند.

پس از گذر از کوچه پس کوچه های خیابان باباطاهر همدان، به مسجد «پیغمبر» که قدمتی بیش از پانصد سال دارد می رسید. در انتهای مسجد، پس از محراب، در ورودی حرم دیده می شود؛ حرمی که زیارتگاه عالمان و بزرگان است و از این رو، مرقد مطهر و مسجد پیغمبر را «دارالمؤمنین» نام نهاده اند.

متأسفانه، توجهی به آرامگاه نمی شود و گرد و غبار زمانه بر سر و روی آن نشسته است.

حضرت «حَجَّی» - به تشدید یاء (۱۷) به معنای مسرور، قبل از حضرت زکریا(ع) و بعد از حضرت مُردخای(ع) در سال ۵۲۰ قبل از میلاد، برابر با سال دوم سلطنت داریوش نبوت می کرد. (۱۸)

مورخان و محققان نوشته اند: چهار انبیا(ع) همزمان با «اصحاب کهف» بوده اند؛ بین خود آنان، فاصله زمانی بوده است، ولی یارانشان آنان را در کنار پیامبران قبلی دفن کردند.

شهر قزوین با سابقه دیرینه خود، پذیرای چهارتن از پیامبران الهی شد که در گذشته های دور به آن دیار آمدند و در خاک آن غنودند. مرقد مطهر آنان در خیابان «پیغمبریه» قرار دارد. در گذشته های نه چندان دور در کنار آرامگاهشان، مسجد، حسینیه و مدرسه علمیه بوده است و مردم زیادی در آنجا آمد و شد می کردند.

اسامی مبارک این چهارتن عبارت است از: حضرت «سلام»، حضرت «سلوم»، حضرت «سهولی» و حضرت «القیا»(ع). در کنار آنان یکی از فرزندان امام حسن مجتبی(ع) به نام صالح بن مجتبی، مدفون است و به علاوه بسیاری از بزرگان در این مکان خفته اند.

۱۷- مردم همدان، نام آن جناب را به صورت «حَجَّی» و «حَکَّی» تلفظ می کنند.

۱۸- جیمز هاکس، همان کتاب، ص ۳۱۴.

۱۹- این اسم؛ یعنی «چهار انبیا» به همین کیفیت در زبان مردم قزوین جاری و بر سر در آن زیارتگاه نوشته شده است.

۲۰- این عبارت، عین عبارتی است که بر سر در نوشته شده است و ما آن را کم و یا زیاد نکرده ایم. شعر از: آیت الله صامت.

